

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه دین و فلسفه

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان

دوستی در قرآن

استاد راهنما

دکتر سید هدایت جلیلی

استاد مشاور

دکتر عبدالوهاب شاهرودی

تنظیم

فهیمه نصیری کوپایی

مهر ۹۱

شبی دنبال معنایی برای دوست می‌گشتم
تو بالاتر زهر معنا و من بیهوده می‌گشتم
سهراب سپهری

تقدیم به:

تنهاترین دوستم

چکیده

پژوهش «دوستی در قرآن»، با هدف واشکافی و شناخت مفاهیم دوستی در قرآن است. در قرآن کریم عنوان دوستی را در چهار واژه پر کاربرد حُب، وُد، ولی و أخ مشاهده می‌کنیم، که با مرکزیت قرار دادن این واژگان به بررسی این لغات و همچنین مفاهیم پیرامونی آن پرداخته شده است. روش در این پژوهش توصیفی تحلیلی و کتابخانه‌ای است. ساختار این پژوهش بدین‌گونه است که ابتدا از مقدمات آغاز می‌گردد سپس مطالب اصلی در سه بخش ادامه می‌یابد: در بخش اول به بررسی واژگان متناظر دوستی در قرآن در دو دوره جاهلی و قرآنی پرداخته شده است؛ بخش دوم متضادهای این واژگان بررسی شده است؛ در بخش سوم نیز به انواع دوستی در قرآن و تطابق آنها با سه واژه از واژگان دوستی پرداخته شده است.

از آنجا که در این پژوهش مفهوم دوستی در کلام الله مجید و نیز در دوره پیش از اسلام یعنی دوره اعراب جاهلی مورد بررسی قرار گرفته است، می‌توان دریافت واژگان دوستی با گذر زمان در نظام معنایی قرآن دارای کاربرد و بعضاً معنایی متفاوت‌تر با دوره قبل از خود گردیده‌است. علاوه بر این و برخلاف نظر مستشرقانی که دین اسلام را دین خشونت می‌دانند و نسبت به ادیان دیگر بی‌روح‌تر می‌پندارند، قرآن مفاهیم دوستی است که با یکدیگر در ارتباطند.

کلیدواژه‌ها: دوستی، حُب، وُد، ولی، أخ، عشق، قرآن

تقدیر:

بر خود لازم میدانم، مراتب امتنان خود را از همه استادان و بزرگوارانی که این جانب را در طرح تحقیق این پایان‌نامه یاری کرده‌اند، ابراز نمایم. به ویژه از استاد محترم جناب آقای **دکتر سید هدایت جلیلی** که این به تحقیق تحت نظارت و راهنمایی ایشان انجام شد و ایشان با نهایت متانت و دلسوزی مرا یاری فرمودند؛ و هم چنین از جناب آقای **دکتر عبدالوهاب شاهرودی** مشاور مهربانم که بی دریغ مرا راهنمایی نمودند و از نظرات و تذکرات ایشان بهره‌مند شدم، نهایت سپاس را دارم. همین‌طور بر خود لازم می‌دانم که از نازنین دوستم **لاله صفایی** که اینجانب را در تنظیم نهایی این پایان‌نامه مدد رساندند تشکر نمایم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۰	مقدمه: کلیات
۱۲	سرآغاز
۱۲	بیان مسئله
۱۳	سوالات
۱۳	الف-سوالات اصلی
۱۳	ب- سوالات فرعی
۱۳	فرضیه‌ها
۱۳	پیشینه موضوع
۱۴	اهداف پژوهش
۱۴	الف - اهداف کلی
۱۴	ب - اهداف جزئی
۱۵	فصل اول: واژگان متناظر
۱۶	۱-۱-حُب
۱۶	۱-۱-۱- در لغت
۱۶	۱-۱-۲- مشتقات
۱۷	۱-۱-۳- در اشعار جاهلی
۲۱	۱-۱-۴- در قرآن کریم
۲۱	۱-۱-۴-۱- ارتباط حُب با تبعیت
۲۴	۱-۱-۴-۲- ارتباط حُب با اراده
۲۷	۱-۱-۴-۳- ارتباط حُب با اثر
۲۸	۱-۲-وَد
۲۸	۱-۲-۱- در لغت
۲۸	۱-۲-۲- مشتقات
۲۸	۱-۲-۳- در اشعار جاهلی
۲۹	۱-۲-۴- در قرآن کریم
۳۰	۱-۲-۴-۱- ارتباط وَد با تمنی
۳۲	۱-۲-۴-۲- ارتباط وَد با اراده

۳۴	ارتباط ود با رحمت.....	۳-۴-۲-۱
۳۵	ارتباط رحمت با رأفت.....	۴-۴-۲-۱
۳۶	۳-۱- ولی	
۳۶	در لغت.....	۱-۳-۱
۳۶	مشتقات.....	۲-۳-۱
۳۶	در اشعار جاهلی.....	۳-۳-۱
۳۷	در قرآن کریم.....	۴-۳-۱
۳۸	ارتباط ولی با نصیر.....	۱-۴-۳-۱
۳۸	الف- ارتباط نصیر با شفیع.....	
۴۰	ارتباط ولی با شفیع.....	۲-۴-۳-۱
۴۱	الف- ارتباط شفیع با خلیل.....	
۴۲	ب- ارتباط شفیع با حمیم.....	
۴۳	ارتباط ولی با قرین.....	۳-۴-۳-۱
۴۵	۱-۱- أخ	
۴۵	در لغت.....	۱-۴-۱
۴۵	مشتقات.....	۲-۴-۱
۴۵	در اشعار جاهلی.....	۳-۴-۱
۴۶	در قرآن کریم.....	۴-۴-۱
۴۶	ارتباط أخ با قوم.....	۱-۴-۴-۱
۴۸	الف- ارتباط قوم با اصحاب.....	
۴۹	ارتباط أخ با أفت.....	۲-۴-۴-۱
۵۲	ارتباط أخ با ولی.....	۳-۴-۴-۱
۵۳	۱-۵- علت به کار نرفتن واژه عشق در قرآن	
۵۴	واژه عشق.....	۱-۵-۱
۵۴	عشق در فرهنگ لغت.....	۱-۱-۵-۱
۵۴	وجه تسمیه عشق.....	۲-۱-۵-۱
۵۴	عشق در میان اعراب بدوی.....	۳-۱-۵-۱
۶۰	پدیده عشق.....	۲-۵-۱
۶۰	تفاوت‌ها و مشابهت‌های میان عشق و دوستی.....	۱-۲-۵-۱
۶۴	نتیجه.....	
۶۸	فصل دوم: واژگان متضاد	
۶۹	۱-۲- واژگان متضاد با حُب	
۶۹	کُره.....	۱-۱-۲
۶۹	الف- اکراه متضاد اراده.....	
۷۳	برء.....	۲-۱-۲

۷۴مقت ۳-۱-۲
۷۵ ۲-۲- واژگان متضاد با وُد
۷۵ ۱-۲-۲ بغض
۷۶ ۲-۲-۲ عدو
۷۶ ۳-۲- واژگان متضاد با ولی
۷۶ ۱-۳-۲ عدو
۷۷ ۱-۳-۲ ارتباط عدو با عصى
۷۸ ۲-۳-۲ عدو در تضاد با نصیر و ولی
۸۰ ۳-۳-۲ عدو در تضاد باخوان
۸۱ ۴-۳-۲ عدو در تضاد با مودت
۸۲ ۴-۲- واژگان متضاد با اُخ
۸۲ ۱-۴-۲ خصم
۸۲ ۱-۴-۲ خصم در تضاد با اُخ
۸۳ ۲-۴-۲ خصم در تضاد با قرین
۸۴ ۲-۴-۲ غلّ
۸۵ فصل سوم: انواع دوستی
۸۶ ۱-۳- آگاپه (Agape)
۸۷ ۱-۳- ویژگی‌های آگاپه
۸۷ ۲-۳- آگاپه در قرآن
۸۷ ۱-۲-۳ محبت عام
۸۸ ۲-۲-۳ محبت خاص
۸۸ الف- مصادیق محبان خاص
۹۷ ب- مصادیق نامحبوبان خاص
۱۰۳ ۳-۱-۳ محبت همگانی خدا
۱۰۹ ۲-۳- اروس (Eros)
۱۰۹ ۱-۲-۳ ویژگی‌های اروس
۱۱۰ ۲-۳- اروس در قرآن
۱۱۰ ۱-۲-۳ دوستی‌های الهی میان انسان‌ها
۱۱۵ ۲-۲-۳ دوستی‌های غیرالهی میان انسان‌ها
۱۱۷ ۳-۳- نوموس (Nomos)
۱۱۸ ۱-۳-۳ ویژگی‌های نوموس
۱۱۸ ۲-۳-۳ نوموس در قرآن
۱۱۸ ۱-۲-۳ اطاعت پیامبر مساوی با اطاعت خدا
۱۱۸ ۲-۲-۳ دلایل شایستگی اطاعت از پیامبر
۱۲۰ نتیجه گیری و جمع بندی

مقدمه



کلیات

سر آغاز

تأمل در دوستی و عشق پیشینه ای بلند در فلسفه یونان، آیین یهودیت و مسیحیت دارد. در اسلام این مقوله نیز مورد توجه بوده است. این توجه را می‌توان در قرآن وحدیث؛ کلام؛ فلسفه و عرفان جستجو کرد. که در اکثر این موارد واژه حُب به عنوان واژه کلیدی دوستی در قرآن مورد بررسی قرار گرفته است و این در حالی است که قرآن از دیگر کلماتی که ارتباط نزدیکی با حُب دارند برای بیان معنای دوستی بهره برده است.

بیان مسئله

در این تحقیق چهار واژه حُب، وُد، ولی و أُخ به عنوان واژگان کانونی برگزیده شده‌اند (توضیح داده خواهد شد) که پس از آن تمام واژگانی که به نحوی با آن‌ها ارتباط دارد، بررسی می‌گردد. واژگان مورد بررسی شامل مترادف‌ها، متضادها و کلیه واژگان هم حوزه هر مفهوم می‌باشد. علاوه بر این برای درک بهتر مفاهیم دوستی به بررسی این واژگان به شکل تاریخی نیز پرداخته می‌شود.

مسئله پژوهش حاضر چند و چون مقوله دوستی در متن قرآنی است. این که در متن قرآنی به کدام دسته از معانی و انواع دوستی توجه شده است و متن قرآنی چه رویکردی نسبت به آن‌ها داشته است. حاصل این پژوهش به ما کمک می‌کند تا دریابیم نگاه قرآنی به این مقوله در چه نسبتی با رویکردهای پیشین (اعم از فلسفه یونان؛ یهودیت و مسیحیت) داشته و نیز این امکان را فراهم می‌آورد که دریابیم واژگان دوستی چه تطورات معنایی را طی نموده و در قرآن دربردارنده چه مفاهیمی می‌باشد و واژه عشق که خارج از این حوزه می‌باشد نیز در چه جایگاهی از معانی قرار می‌گیرد.

مبنای پژوهش حاضر تفکیک و تمایز میان گفتمان عصر جاهلی و گفتمان قرآنی است؛ و می‌کوشد مقوله دوستی را صرفاً در دوره اعراب بدوی و قرآنی پژوهش کند. از این رو؛ معانی و انواع دوستی را در پرتو و در چارچوب نظام معنایی قرآنی و از رهگذر شناخت حوزه مفاهیم و واژگان دوستی در قرآن مورد پژوهش قرار خواهد داد.

سوالات

الف-سوالات اصلی

کدام دسته از معانی وانواع دوستی در قرآن آمده است و متن قرآنی نسبت به این مقوله چه رویکردی داشته است؟

ب-سوالات فرعی

واژه دوستی قبل از ورود اسلام به عربستان چه تطورات معنایی را طی کرده است؟
اقسام دوستی در قرآن نسبت به ادیان دیگر چگونه است؟
ارتباط مفاهیم دوستی در قرآن با یکدیگر چگونه است؟

فرضیه‌ها

قرآن کتابی فصیح و بلیغ است و به زبان مردم عصر خود نازل گردیده است، لذا برای درک مفاهیم قرآن باید به کاربرد مفاهیم قرآنی در آن عصر توجه نمود.
قرآن کریم گستره وسیعی از مباحث در باب دوستی را در بردارد به گونه ای که می‌توان انواع گوناگونی از دوستی را دید که قرآن بدان اشاره کرده است که ظاهراً مشابه قسم‌های دوستی است که در ادیان دیگر همچون مسیحیت و یهودیت می‌باشد.
اگر چه مترادفاتی برای واژه دوستی به کار رفته است اما از لحاظ معنایی نمی‌توان همه آن‌ها را یکی قلمداد کرد.

پیشینه موضوع

واژگان دوستی و لغات پیرامون آن در کتب لغت و تفسیربررسی گردیده است اما تنها با توجه به متن قرآنی و براساس ساختمان قرآنی مورد تحلیل قرار نگرفته است. البته پایان نامه‌هایی در رابطه با دوستی در قرآن و جود دارد همچون همچون "محبت میان خدا و انسان در قرآن کریم" از محمد حسین قاسم بیوندی، "محبت و مودت در اسلام" نوشته مریم صمد حسینی، "حب و دوستی از دیدگاه قرآن"، نگاشته فرحناز علی پناه و...
که در هیچکدام مقوله دوستی صرفاً و تنها با تکیه بر آیات قرآن و علاوه بر این ارتباط معنایی این مفاهیم با یکدیگر در قرآن پرداخته نشده است. علاوه بر این در مورد محبت و عشق فارغ از اجتماع

و بررسی واژگان دوستی در قرآن کتب بسیاری همچون "عطف الف المألوف" دیلمی، "رساله‌ی عشق" بوعلی سینا، "قاعدة فی المحبة" ابن تیمیه و...را نیز می‌توان نام برد

اهداف پژوهش

الف - اهداف کلی

پژوهش حاضر خصلتی معنا شناسانه دارد به این معنا که می‌خواهد پاره ای از کل یک جهان بینی -یعنی قرآن-را از طریق تحلیل کلمات کلیدی مربوط به مقوله دوستی تحلیل کند؛ با این باور که هیچ کلمه کلیدی تنها نیست و جدا از سایر کلمات کلیدی بسط نمی‌یابد. همچنین در این پژوهش بررسی مفاهیم به گونه ای که دوستی نزدیک با مراد و مقصود الهی باشد، مدنظر است.

ب - اهداف جزئی

شناخت مفاهیم دوستی و واژگان پیرامون آن در قرآن
دریافت میزان تطابق مفاهیم دوستی در قرآن با سه مفهوم مشترک یونانی (آگاپه، نوموس، اروس)
در ادیان الهی یهود و مسیحیت
بررسی مفهوم عشق و دریافت علت تفکیک این واژه از مفاهیم دوستی در قرآن.

فصل اول



واژگان متناظر

۱-۱-۱-حُب

۱-۱-۱- در لغت

المحبة: (حب با فتحه)، یعنی خواستن و تمایل به چیزی که می‌بینی و آن را خیر می‌پنداری. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۲۱۴)

محبت: حُبُّ ضد دشمنی است و همان دوستی است و حب با کسره نیز چنین است. حروف اصلی این واژه «ح ب ب» است؛ و واژه‌های «محبة» و «حُب» و «حباب» همگی به یک معنا می‌باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق:، ج ۳، ۳۱)

۱-۱-۲- مشتقات

حَبَب: محبت مأخوذ از «احب الأَسنان» به فتح حاء و باء: ردیف ریز دندان‌ها که شبیه دانه‌های ریز غلات و سبزی‌هاست. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ۲۶ / راغب اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۴۳۹)

حَبَب: محبت مأخوذ از «احب البعير»: که گفته‌اند چنان‌که وقتی شتری می‌نشیند و سینه‌اش را روی خاک می‌نهد گفته می‌شود «احب البعير» بَرَك. (جوهری، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۱۰۵)

حَبَاب: محبت برگرفته شده از «حباب الماء» به فتح حاء: حبابهای روی آب در موقع ریزش بارانهای درشت که به همان دانه‌های غلات تشبیه شده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۴۳۹)

و بدین سبب چنین معنایی می‌دهد که پیوسته دل دوست اندر اشتیاق رؤیت دوست، مضطرب باشد و بی قرار، چنان‌که اجسام به ارواح مشتاق باشند. (هجویری، ۱۳۷۴: ۴۴۴)

حَبَّة: محبت مأخوذ از «حبة القلب» به فتح حاء: به معنای آنچه وسط و داخل قلب انسان است و در واقع مرکز و سویدای دل و تکه ای از خون سیاه وسط قلب است. (ابن منظور، ج ۱، ۲۴۹) پس محبت را حَبَّ نام کردند به اسم محل آن که قرارش اندر حَبَّة دل است و عرب چیزی را به اسم موضع آن نام کند. (هجویری، ۱۳۷۴: ۴۴۴)

حِبُّ: محبت برگرفته شده از «حبه» به کسر حاء: به معنای دانه های گندم و جو و غلات دیگر (که مطعومات و غذاها هستند). (راغب اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۴۳۱) و حب را بدین سبب حُب خوانند که او تخم حیاتست و همچنانک این حِبُّ تخم نباتست. (قشیری: ۱۳۴۵، ۵۵۸)

حِبُّ: محبت مأخوذ از «حب» به کسر حاء: و گوشواره را حِبُّ خوانند یکی از آن که بر گوش ملازم بود و دیگر آنکه اجزاء او متحرک بود. (فراهیدی، ج ۳، ۳۱/ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ۲۹۴/قشیری: ۱۳۴۵، ۵۵۸)

حُبُّ: محبت مأخوذ از «حب» به ضم حاء: که چنین تعبیر می‌شود، حب آن چهارچوب باشد در دم ساخته، که کوزه آن را بر آن نهند. (هجویری: ۱۳۷۴، ۴۴۴)

حُبُّ: محبت مأخوذ از «حب» به ضم حاء: به معنی کوزه است که اندر وی آب بسیار باشد و آن پر گشته باشد، و چشمه ها را اندر آن مساعی نباشد و بازدارنده آن شده باشند. همچنین دوستی، چون اندر دل طالب مجتمع شود، و دل وی را ممتلی گرداند به جز حدیث دوست را اندر دل وی جای نماند. (فراهیدی-ج ۳، ۳۲/هجویری: ۱۳۷۴، ۴۴۳)

۱-۱-۳- در اشعار جاهلی^۱

کلمه «محبت» برگرفته شده از ریشه «حَبَب» و واژه ای عربی و اصیل است که در متون باقی مانده از دوران جاهلیت عرب به چشم می‌خورد. می‌دانیم که شعر جاهلی مهم‌ترین سند تاریخی آنزمان اعراب است. که روشنگر اوضاع و احوال فکری و اجتماعی و نوع زندگی و عادات و... آن‌هاست، چنان که ابن عباس برای درک روشن از هر لغت آن را بهترین شیوه می‌دانست. در میان شعرای بدوی می‌توان امروء القیس، زهیر بن ابی سلمی و نابغه ذبیانی و... را نام برد که در سبک‌های گوناگون به سرودن پرداخته‌اند. یکی از این سبک‌ها قصیده است که در آن مفاهیمی چون محبت و دوستی بسیار دیده می‌شود زیرا قصیده مبتنی بر نظامی دقیق است که باید با «نسیب» آغاز گردد، [آن‌هم] با یاد آوری محبوب غایب از نظر، هنگامی که شاعر سواره از صحرا می‌گذرد و با دیدن آثار به جامانده (اطلال) محبوب را به یاد می‌آورد (بروکلن: ۱۳۷۹، ۱۰۰)

همانند این سروده از امروء القیس در آغاز قصیده‌اش که در وصف و یاد محبوبش می‌باشد:

قِفَا نَبَّكَ مِنْ ذِكْرِي حَبِيبٍ وَ مَنَزَلٍ بَسَقَطَ اللَّوَى، بَيْنَ الدَّخُولِ فَحَوْمَلٍ

دوستان بایستید، تا به یاد یار و منزلگاهش در این شن زار های پر پیچ و خم میان «دخول» و «حومل» و «توضیح» و «مقرات» بگرییم.

فَتَوْضِحَ، فَالْمِقْرَةَ، لَمْ يَعْفَ رَسْمَهَا لِمَا نَسَجَتْهَا مِنْ جَنُوبٍ وَ شَمَالٍ

هنوز وزش بادهای جنوب و شمال، آثار باقی مانده از خانه ها را در این مناطق محو نکرده است.

^۱ ترجمه تمامی اشعار جاهلی که در این پژوهش آورده شده توسط «رضا چلیبی» دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات عرب دانشگاه شهید چمران انجام شده است.

تَرَى بَعَرَ الْأَرَامِ فِي عَرَصَاتِهَا وَ قِيَعَانِهَا كَأَنَّهُ حَبُّ فُلْفَلٍ
پشکل آهوان سفید رد گسترده‌ها و پهنه‌ی منزلگاه‌هایش به سان دانه‌ها فلفل جلوه‌گر می‌شود.

كَأَنِّي غَدَاةَ الْبَيْنِ، يَوْمَ تَحَمَّلُوا لَدَى سَمَرَاتِ الْحَيِّ، نَاقِفٌ حَنْظَلٌ
صبح روز جدایی که محبوب من با قبیله‌اش کوچ می‌کرد، کنار بوته‌های مغیلان نشسته بودم و
مانند مرد حنظل شکن اشک می‌ریختم.

وَقُوفًا بِهَا صَحْبِي عَلَى مَطِيئِهِمْ يَقُولُونَ «وَلَا تَهْلِكْ أَمْسِي، وَتَجَمَّلْ»
یارانم مرکب‌هایشان را گرد من متوقف کردند و می‌گفتند: خود را از غصه‌هلاک مکن و صبور
باش. (امروالقیس، ۱۴۲۵ق: ۲۴-۲۳-۲۲-۲۱)
اما گاهی نیز محبت و دوستی به محبوب تا آنجا پیش می‌رود که شاعر محبوبش را قاتلی می‌انگارد
و خود را مقتولی راضی:

أَعْرَكَ مِنِّي أَنْ حَبَّكَ قَاتِلِي وَ أَنْكَ مَهْمَا تَأْمُرِي الْقَلْبَ يَفْعَلُ
آیا می‌پنداری که که محبت به تو مرا از پای در می‌آورد و هر آن چه مرا کنی بی‌چون و چرا انجام
می‌دهم؟ آری چنین است من کشته‌ی محبت توام و دلم در گرو اشاره‌ی توست.

وَإِنَّ تَكُّ قَدْ سَاءَ تَكُّ مَنِّي خَلِيقَةً فَسَلَّمِي ثِيَابِي مِنْ ثِيَابِكَ تَنْسَلُ
و اگر برخی از رفتارهای من تو را آزرده ساخته است، محبتت را از دل من بیرون کن.
(امروالقیس، ۱۴۲۵ق: ۳۲)
در نمونه‌ای دیگر، محبت و دوست داشتن محبوب، آرامش را از قلب سلب می‌کند و شاعر چنین
می‌سراید:

وَ كُلُّ مَحَبٍّ أَعْقَبَ النَّأْيَ عِنْدَهُ سَلَوْا فُؤَادِي، غَيْرَ حُبِّكَ مَا يَسْلُو
و هر دوست داشتنی که در آن دوری ایجاد شود قلب آرام می‌یابد، و در غیر دوست داشتن تو که در
آن آرامشی نیست. (ابی سلمی، ۱۴۲۶ق: ۴۷)

در بعضی ابیات شاعر بدوی حاصل محبت را سوز و گداز و نابودی می‌داند:
أَصْحَوْتُ الْيَوْمَ أُمَّ شَاقِتِكِ هَرٍ وَمِنَ الْحُبِّ جَنُونَ مُسْتَعِرٍ
از عشق دست کشیدی یا یاد معشوقه‌ات «هر» تو را به شوق واداشت؟ از عشق سوز و گداز ملتیه‌ی
حاصل می‌شود.

لَا يَكُنْ حُبُّكَ دَاءً قَاتِلًا لَيْسَ هَذَا مِنْكَ مَاوِيَّ، بِحَرِّ
ای ماویّه (نام معشوقه) عشق تو مایه‌ی مرگ و هلاکم باشد! چرا که این کار کریمانه نخواهد بود.
(طرفة بن عبد: ۱۴۲۴ق: ۴۶)

و شاعری محبت راستین را تنها در اطاعت بی‌چون و چرا از محبوبش می‌داند و بس، محبت یعنی
اطاعت:

تَعْصِي الْإِلَهَ، وَأَنْتَ تَطْهَرُ حَبَّةً هَذَا لَعْمُرُكَ فِي الْمَقَالِ، بِدِيعُ
خدا را در حالی معصیت می‌کنی که به عشق او تظاهر می‌کنی! به جان تو سوگند این سخنی
عجیب و بی‌مانند است.

لو كنت تصدق حبه لأطعته إن المحب، لمن يحب، مطيع

اگر دوستی‌ات با او صادقانه بود اطاعتش می‌کردی بی شک دوستدار فرمانبردار محبوب خویش است. (ذبیانی: ۱۴۲۶ ق، ۸۰)

وباز هم به محبوب از نوع بشر می‌پردازد:

ولقد نزلت فلا تظنی غیره منی بمنزلة المحب المکرم

جز این گمان مبر که منزلت تو نزد من منزلت محبوبی است گرانقدر و گرامی.

نتیجه: در بررسی اجمالی که در دیوان این شاعران نمودیم نکات زیر به چشم می‌خورد:

۱- کلمه حب در معنای رغبت، اطاعت و بیشتر علاقه به محبوب که جنس مؤنث است به کاررفته و این ویژگی مختص همه دیوانهای مورد بررسی ما می‌باشد، هر کدام از شعرای جاهلی در شعرشان از محبوبشان یاد کرده‌اند و بعضاً اسم هم می‌برند همانند عبله محبوب عنتره:

هذه نارُ عبلَةَ یا ندیمی قد جلتُ ظلمة الظلام البهیم

تتلطی ومثلها فی فؤادی نارُ شوق تزداد بالتضیرم

با این حال برخی از محققان عرب برآنند که آنچه در شعر عرب از شوریدگی شاعر در ابراز محبت به جنس زن شده است، فراتر از ظواهر است، چنان‌که دکتر نصرت عبدالرحمان در بررسی خود در اشعار جاهلی، کوشیده است که نامهای زنان را در شعر جاهلی معین کند و در توجیه نظر خود به تکرار بعضی نام‌ها نزد همه شاعران و تکرار اوصاف و ویژگی‌هایی که شاعران بر هریک از زنان اطلاق می‌کنند، استدلال می‌کند. چنان‌که معتقد است نامهایی که با «أم أوفی و أم معبد و أم جندب، رمزهای بانوی حکمت است؛ و لیلی مانند دینا الهه شکار نزد یونانیان است در حالی که سلمی رمز عشق عقیف و پاک دامنی و یادآور» بگوید «است. سعاد رمز بهار به نظر می‌رسد و اسماء رمز مرغزار و چراگاه یا زندگی چوپانی و امیمه رمز مادر مهربان و دلسوز و خوله رمز بانوی کشت و زرع و زهره رمز زندگی آمیخته با بی بند و باری است.»

دکتر عبدالرحمان خواسته بگوید که ورای هر یک از این زنان رمز و نشانه ای نهفته است و زن بیشتر از آن است که تنها گوشت و خون و استخوان باشد؛ و این معنا فقط به این اعتبار درست می‌آید، زیرا نامهای زنان وارد شده در شعر بر حقیقت خود جاری نیست اما تعیین دلالت جسورانه این نام‌ها بدون هیچ سند و مدرکی از اسطوره یا بدون هیچ تأییدی از اکتشافات باستانی، در نهایت ماجراجویی و جسارت بی فایده است، علاوه بر آن دکتر نصرت شعر عربی را مورد کاوش و استقرای کامل قرار نداده تا عقیده او را تأیید کند. (فتاح، ۱۳۸۷: ۲۱۹، ۲۱۸) در ضمن آنچه که در ظواهر اشعاری که شاعر در آن به یاد محبوب و وصف آن پرداخته است فاصله بسیاری با توصیف و یا ذکر یک نماد را دارد.

۲- مقصود شاعر از محبت، علاقه ای افراطی است که مشابه مفهوم عشق است:

و قلت لقلی حین لَجَّ بی الهوی و کلفنی ما لا یطیق من الحب

هنگامی که عشق در جانم شدت گرفت از محبت باری بر دوشم گذاشت که یارای آن را نداشتم.

به دل‌م گفتم: ... (قیس بن ذریح، ۱۴۲۵ ق: ۵۹)

فَتَمَّ عَلَى مَعشُوقَةٍ، لَا يَزِيدُهَا
إِلَيْهِ، بَلَاءُ الشَّوْقِ، إِلَّا تَحَبُّبًا

آن عاشق بر عشق محبوبش پایدار ماند و بلاهایی که در راه عشق او متعرض شد جز به محبت او نیفزود. (الأعشى، بی تا: ۱)

وَلَقَدْ أَصَابَتْ قَلْبَهُ مِنْ حَبِّهَا
عَنْ ظَهْرِ مِرْنَانٍ، بِسَهْمٍ مُصْرَدٍ
عشق او تیری برنده از کمانی پر طنین به سوی قلبش رها کرد. (ذبیانی، ۱۴۲۶ ق: ۳۹)

زَعَمَ الْأَحِبَّةُ أَنَّ رَجُلَيْنَا غَدَاً
وَبِذَاكَ خَيْرَنَا الْغُذَافُ الْأَسْوَدُ
دوستان (معشوقه عبید، مهدد) پنداشتند که ما فردا، کوچ خواهیم نمود و زاغ سیاه این خبر را به ما رسانید. (أبرص، ۱۴۲۴ ق: ۳۷)

أَفَلَا تُتَاسَى حَبِّهَا بِجَلَالَةِ
وَجَنَاءَ كَالْأَجْمِ الْمَطِينِ وَوَلُوسٍ
آیا عشق آن را با شتری تنومند، با گونه‌های گوشت‌آلود و تیزتک، به بزرگی خانه‌ای گلین، فراموش نمی‌کنی؟ (أبرص، ۱۴۲۴ ق: ۵۲)

۳- محبت در اشعار جاهلی علاقه زیاده و عشق است.

۴- حب در معنای رفیق و دست که ملازم انسان است نیز اطلاق گردیده است:

أَلَا سَجِيَاتُ مَا الْقُلُوبُ
وَكَمْ يَصِيرَنَّ شَانئًا حَبِيبٌ

(خود را برخلاف حقیقت، عاقل دانستن سود ندارد) به جز عقل‌هایی که سرشتی باشند و چه بسا دوست، دشمن می‌شود.

(أبرص، ۱۴۲۴ ق: ۱۴)

وَلَا تَظْهَرَنَّ حُبَّ امْرِيٍّ قَبْلَ خُبْرِهِ
وَبَعْدَ بَلَاءِ الْمَرْءِ فَأَذْمُ أَوْ أَحْمَدُ

دوستی با کسی را پیش از این که او را بیازمایی نشان مده و پس از آزمودن انسان، او را نکوهش کن یا بستای. (أبرص، ۱۴۲۴ ق: ۴۲)

و معانی دیگری غیر از مفهوم محبت و دوستی که نیاز به بیان نمی‌باشد.

این گذری کوتاه برپیشینه واژه «حب» بود. بعد از عصر جاهلیت، دورانی در تاریخ عرب شکل می‌گیرد که عنصر یکتا پرستی تغییر دهنده اساسی همه باورها و تمام آداب و سنن و در کل اجتماع عرب بدوی می‌شود. این بار محبت در چارچوبی دیگر نقش می‌بندد. برای کاویدن لغت مورد نظرمان این بار به سراغ متنی می‌رویم که در این زمان جایگزین اشعار جاهلی شده، و شالوده عصر جدید عرب بر مبنای آن است یعنی قرآن؛ لذا در بخش بعد این واژه را در قرآن به همراه کلماتی که تشابه معنایی با این واژه دارند بررسی مفهومی خواهیم نمود تا تغییرات معنایی این کلمه با توجه به کاربرد آن، مشخص گردد و خواهیم دید که حب در میان اعراب فقط جنبه مادی داشته است و این در حالی است که در قرآن کریم حب و محبت در مسائل مادی کمرنگ شده و بیشتر به جنبه الهی بودن و معنوی آن پرداخته شده است.